



نکات

۱- برخی از ترکیبات هستند که همیشه ing دارند:

Heart taking	هیجان انگیز
Time consuming	وقت گیر
Swimming pool	استخر شنا
Dining room,...	اتاق غذاخوری

۲- بعد از فعل go در معانی زیر ing + فعل می آید: در اینجا معمولاً کاری به صورت معمول انجام شده است.

Go shopping	خرید رفتن
Go swimming	به شنا رفتن
Go hiking ,...	راهپیمایی رفتن

I go shopping every weekend.

آخر هر هفته به خرید می روم. (عادت معمول)

اما بعد از Go در حالت عادی، فعل + to می آید.

رفتم بیرون مقداری غذا بخرم. I **went out to buy** some food.

۳- اصطلاحاتی وجود دارند که بعد از آن ها، فعل با **ing** می آید.

Have difficulty (مشکل داشتن در چیزی)

I hurt my leg yesterday and I **have difficulty walking** now.

دیروز پایم آسیب دید و الان به سختی راه می روم.

Be busy (مشغول بودن)

Sorry, I'm **busy studying** for my exam.

متاسفم، مشغول مطالعه برای امتحانم هستم.

۴- برای بیان عاداتی که در گذشته بوده و الان ادامه ندارد از **use to** استفاده می کنیم که بعد از آن فعل ساده می آید.

I **used to work** in one of the biggest companies in America.

قبلا در یکی از بزرگترین شرکت های آمریکا کار می کردم. (دیگر کار نمی کنم).

اگر قبل از **use to** از **get** یا **be** استفاده کنیم، مفهوم جمله، نوعی عادت را در زمان حال می رساند. و بعد از آن فعل با **ing** می آید. به جمع **to** و **ing** در اینجا توجه کنید، **to** در اینجا مربوط به فعل **use** است و نه فعل بعدی.

I'm **used to walking** in the forest.

به قدم زدن در جنگل عادت کرده ام.

It takes long to **get used to living** in another country.

عادت کردن به زندگی در یک کشور دیگر زمان زیادی طول میکشد.

۵- بعد از حرف اضافه در انگلیسی، اسم می آید بنا بر این اگر بخواهیم از حرف اضافه استفاده کنیم، فعل بعد از آن در نقش اسم و به صورت اسم مصدر (فعل با ing) می آید.

حرف اضافه های مهم در انگلیسی عبارتند از :

At, in, on, after, before, of, by, to, against, toward, from, for, about, into...

چند مثال :

Tom is good **at English**. تام در انگلیسی خوب است.

Tom is good **at speaking** English. تام در انگلیسی صحبت کردن خوب است.

After winning the last fight, he went on to be a gold medallist in the Olympics.

بعد از بردن آخرین مسابقه، او رفت که در المپیک مدال طلا بیاورد.

I'm very interested **in learning** Korean

من بسیار به آموختن زبان کره ای علاقه مندم. (be interested in = علاقه مند بودن به)

They tried to prevent me **from leaving**.

آنها سعی کردند از رفتن من جلوگیری کنند.

مقایسه کنید :

The police **forced** people **to leave** the building quickly.

پلیس مردم را مجبور کرد که فوراً ساختمان را ترک کنند.

Bad health **forced** him **into taking** early retirement.

ضعف جسمانی او را مجبور به زود بازنشسته شدن کرد.

از میان این حروف اضافه اگر از **by** استفاده کنیم، مفهوم روش انجام چیزی را می‌رساند. استفاده از **with** به جای **by** درست نیست.

You can get fit **by practising** regularly.

می‌توانی با تمرین کردن منظم به اندام متناسب برسی.

By using the internet you can buy anything from home.

با استفاده کردن از اینترنت شما می‌توانید هرچیزی را از خانه خریداری کنید.

There have been a lot of arguments **against hunting** in the recent years.

در سال‌های اخیر، بحث و جدل زیادی بر ضد شکار کردن وجود داشته است.

۶- فعل با **ing** چون در نقش اسم است، در اول جمله به صورت نهاد ظاهر می‌شود.

Hunting is not a sport. شکار کردن، یک ورزش نیست.

Writing Chinese is difficult. نوشتن به خط چینی سخت است.

۷- اصطلاح **can't stand** در مفهوم طاقت نیاوردن یا تحمل نکردن است و بعد از آن فعل هم با **ing** و هم با **to** می‌آید.

I **can't stand seeing** them live like that.

نمی‌توانم ببینم که آن‌ها اینگونه زندگی می‌کنند.

I **can't stand to see** you leave.

نمی‌توانم اجازه بدهم که بروی.

۸- اصطلاح **can help** در مفهوم توانایی در اجتناب در انجام کاریست و بعد از آن فعل با **ing** می‌آید و شکل محاوره‌ای تر **avoid** است که قبلاً دیدیم.

These phrases are really difficult, how can I **avoid confusing** them?

These phrases are really difficult, how can I **help confusing** them?

این عبارات واقعا سختند، چطور می توانم از اشتباه کردن آن ها با یکدیگر پرهیز کنم؟

I'm used to playing the piano for 3 hours a day, I **can't help doing** it.

عادت کرده ام ۳ ساعت در روز پیانو بزنم، نمی توانم انجامش ندهم.

۹- To همچنین به عنوان حرف اضافه به کار می رود. دقت کنیم که در این حالت تاثیری روی فعل ندارد. مقایسه کنید:

I'm not coming with you in this weather. I **prefer to watch** a movie.

من در این هوا با شما نمی آیم، ترجیح می دهم یک فیلم ببینم.

I prefer coffee **to** tea. قهوه را به چای ترجیح می دهم. (حرف اضافه)

I prefer playing tennis **to** swimming.

تنیس بازی کردن را به شنا ترجیح می دهم. (حرف اضافه)

۱۰- بعد از فعل help ، فعل هم به شکل ساده و هم با to می آید.

Help (کمک کردن)

Please **help** me **write** this letter.

Please **help** me **to write** this letter.

لطفا کمکم کن این نامه را بنویسم.

۱۱- بعد از افعال **advise, permit, allow, forbid, encourage** باید مفعول داشته

باشیم در صورتی که ضمیر مفعولی (me, you, him, her, it, us, you, them) یا یک گروه اسمی در نقش مفعول نداشته باشیم فعل بعد از آن با **ing** تبدیل به اسم مصدر شده و در نقش مفعول قرار می گیرد. در جملات زیر، مفعول با قرمز مشخص شده است.

My father didn't **allow me** to use his car.

پدرم به من اجازه نداد از ماشینش استفاده کنم.

My father didn't **allow using** his car.

پدرم استفاده از ماشینش را مجاز نکرد.

Companies **encourage people** to buy their products by advertising.

شرکت ها با تبلیغ کردن، مردم را به خرید محصولاتشان تشویق می کنند.

Companies **encourage buying** their products by advertising.

شرکت ها با تبلیغ کردن، خرید محصولاتشان را تشویق می کنند.

The law doesn't **permit you** to have weapons in some states.

در برخی ایالات قانون به شما اجازه نمی دهند که اسلحه داشته باشید.

The law doesn't **permit having** weapons in some states.

در برخی ایالات، قانون، داشتن اسلحه را مجاز نمیداند.

The teacher **advised the students** to read all the questions carefully.

معلم به دانش آموزان توصیه کرد که تمام سوالات را به دقت بخوانند.

The teacher **advised reading** all the questions carefully.

معلم، خواندن تمام سوالات به دقت را توصیه کرد.

His father had **forbidden him** to leave the house, as a punishment.

پدرش او را به عنوان تنبیه از ترک کردن خانه منع کرده بود.

His father had **forbidden leaving** the house, as a punishment.

پدرش به عنوان تنبیه، ترک کردن خانه را ممنوع کرده بود.

۱۲- بعد از فعل مجهول (قسمت سوم فعل + to be)، فعل بعدی همیشه با to می آید چون در این حالت معیار برای تعیین شکل فعل دوم فعل to be است.
مقایسه کنید :

Our teacher **made me stand up** for 30 minutes.

معلممان مرا ۳۰ دقیقه سرپا نگاه داشت.

I **was made to stand up** for 30 minutes.

من ۳۰ دقیقه سرپا نگاه داشته شدم.

برای

۱۳-

منفی کردن فعل دوم، قبل از آن از not استفاده میکنیم. شکل فعل دوم همانند آنچه تا کنون آموخته ایم تعیین می شود و not تاثیری در آن ندارد.

You will keep fit by **not eating** fat foods.

با نخوردن غذاهای چرب، اندامت متناسب خواهند ماند.

My mother told me **not to leave** my sister alone at home.

مادرم به من گفت که خواهرم را در خانه تنها نگذارم.

۱۴-

بعد از

صفات، فعل با to می آید.

Usual (عادی) / Unusual (غیر عادی) / Important (مهم) / Unimportant (کم اهمیت) / necessary (ضروری) / Uncommon (غیر متداول) / common (متداول) / Safe (امن) / Unnecessary (غیر ضروری) / easy (آسان) / difficult (سخت) / Dangerous (خطرناک) / Good (خوب) / Nice (خوب) / ...

A **safe** place **to stay**

یک مکان امن برای ماندن

An **easy** way **to find** your destination is using a map.

یک راه آسان برای پیدا کردن مقصدتان، استفاده از یک نقشه است.

It's not very **usual** **to see** a bear in a city.

دیدن یک خرس درون شهر امری عادی نیست.

These phrases are really **difficult to understand**.

فهم این عبارات واقعا سخت است.

These phrases are really **difficult** for me **to understand**.

فهم این عبارات برای من واقعا سخت است.

۱۵-

اگر

واژگانی مانند, Whose, Where, How, Who, What, When, Which, ... , واژگان

پرسشی نباشند یعنی اگر در وسط جمله بیایند، بعد از آن ها فعل با to می آید.

They are **easy to find** if you know **where to look**.

پیدا کردن آن ها راحت است اگر بدانی کجا را بگردی.

I don't know **what to do**.

نمی دانم چه کنم.

I don't know **which one to choose**.

نمی دانم کدام را انتخاب کنم.

نقل قول مستقیم و غیر مستقیم

چنانچه بخواهیم جمله ی کسی را از زبان خودش بازگو کنیم، جمله را بعد از کما

(,) عینا داخل گیومه قرار می دهیم که به این نقل قول مستقیم می گویند.

She told me, "Give **me your** hand."

او به من گفت، "دستت را بده به من".

چنانچه بخواهیم جمله ی کسی را از زبان خودمان بازگو کنیم، کما و گیومه حذف

می شوند و فعل دوم جمله با to می آید که به این نقل قول غیر مستقیم می گویند.

در این حالت باید به تبدیل ضمائر و ترتیب آنها دقت کرد.

She told me to give **her my** hand.

او به من گفت که دستم را به او بدهم.

برای منفی کردن فعل دوم ، همانند قبل، قبل از آن از not استفاده میکنیم.

My mother told me, "don't leave **your** sister alone at home."

مادرم به من گفت، "خواهرت در خانه تنها نگذار."

My mother told me **not to leave my** sister alone at home.

مادرم به من گفت که خواهرم را در خانه تنها نگذارم.

در تبدیل نقل قول مستقیم به غیر مستقیم، واژگانی مانند واژگان زیر که حالت خطابه دارند حذف می شوند و میتوان بعضی واژگان مثل اسم اشخاص را حذف نکرد و همچنین فعل say تبدیل به فعل tell یا ask به معنی درخواست کردن می شود.

... (می شود لطفا؟) / Would you? / (قربان) Sir / (لطفا) Please / (عزیزم) Darling

David **said**, "Would you please lend **me your** pen, Kate?"

دیوید گفت، "کیت، میشود لطفا خودکارت را به من قرض دهی؟"

David **asked Kate** to lend **him her** pen.

دیوید از کیت خواست خودکارش را به او قرض دهد.

David **told her** to lend **him her** pen.